

ماهی سیاه صمد بهرنگی هم‌چنان در جست‌وجوی دریاست

این واقعیت که خرید کتاب برای کارگران تقریباً مثل سفر به مریخ دست‌نیافتنی شده است، دلیل بر کم‌رونق بودن بازار کتاب خصوصاً کتاب کودک نمی‌شود. در کتاب‌فروشی‌های بزرگ شاهد حضور نشرهای فراوان با کتاب‌های رنگ و لعاب‌دار برای کودکان در موضوعات متنوع هستیم. این حجم از تولید کالای کتاب، علاوه بر گردش مالی و ارزش‌افزایی در صنعت نشر و چاپ برای سرمایه‌داری، هم‌چنین تلاشی است از طرف سرمایه‌داری تا به‌وسیله‌ی تولید کتاب‌هایی که محتوای آن‌ها چیزی جز بازتولید وضعیت موجود نیست بتواند دوام و بقا خود را بیش‌تر کند. کتاب‌های موجود ویژه‌ی کودکان ترجمه یا تألیف هستند؛ کتاب‌هایی در موضوعات علمی، تاریخی، ادبیات و ... وجود دارند. در کتاب‌های داستان مورد تأیید سرمایه‌داری برای کودکان، بیش‌تر با یک دنیای خیالی سرو کار داریم و شخصیت اصلی داستان که معمولاً خود کودک است، خیالاتی دارد و کودک خواننده با خیالات وی همراه می‌شود. به‌طور مثال شخصیتی قرار است در داستان ملکه بشود یا شخصیتی ابرقهرمان است یا ... در سراسر داستان در موقعیت‌های مختلف اتفاق‌هایی برای شخص اول داستان می‌افتد که گاه شاید باعث خندیدن مخاطب کودک هم بشود. یک‌سری اطلاعات کلی مثل پایتخت فلان کشور کجاست و غیره در این کتاب‌ها نهفته است. در نهایت هم یک‌سری آموزه‌های عام اخلاقی جهان سرمایه‌داری ممکن است در این کتاب‌ها وجود داشته، مانند این‌که بچه‌ها نباید دروغ بگویند، بچه‌ها باید تلاش کنند تا موفق بشوند و ... که نویسنده سعی کرده به خورد کودکان بدهد.

این صحنه‌ی تقریباً یک‌دست‌شده از بازار کتاب کودک را سرمایه‌داری ارزان و یک‌شبه به‌دست‌نیاورده است. علاوه بر بایکوت و حذف نویسندگانی که گوشه‌ای از تعهد به طبقه‌ی کارگران و محرومان جامعه در آثار آن‌ها وجود داشته است، روشنفکران طرفدار سرمایه‌داری سعی کرده‌اند آن‌چه به‌عنوان ادبیات آگاهی‌بخش برای فرزندان طبقه‌ی کارگر است را با به‌اصطلاح نقد به زیر ضرب ببرند. سر این پیکان به‌اصطلاح نقد به آثار نویسنده‌ی بزرگ، صمد بهرنگی، برخورد کرده است. این‌که صمد بهرنگی در عمر کوتاه اما پربار خود چه کرد در این مقال نمی‌گنجد، اما ذکر این گفته‌ی غلامحسین ساعدی درباره‌ی کار صمد بی‌مورد نیست: «مهم‌ترین تأثیر صمد روی بچه‌ها بوده است. او به آدم‌های شکل‌گرفته و بزرگ‌سال امید چندانی نداشت.»

این که نقادان طرفدار سرمایه‌داری آثار صمد را سیبل می‌کنند جای تعجب نیست، اما در بین نویسندگانی که خود را منتسب به چپ می‌دانند، نقد به آثار صمد کم نبوده است. ایراداتی که به نوشته‌های صمد می‌گیرند شامل مقولاتی چون ترویج خشونت، کودکی نکردن شخصیت‌های داستان، استفاده‌ی ابزاری از کودکان، ضدتربیتی بودن، ترویج کینه‌ورزی، دروغ‌گویی و ... است.

گوشه‌ای کوچک از صمدزدایی‌ای را که در سال‌های پیش در فضای رسانه‌ای ایران اتفاق افتاده است را با هم مرور کنیم. «دیگر افسانه‌ی نبرد علیه امپریالیسم و جنگ نبرد طبقاتی خشونت‌بار همراه با اسطوره‌سازی و قدسی‌سازی از رفتار مبارزان سیاسی و نگاه ابزاری سیاسی داشتن به کودکان سال‌هاست که به پایان رسیده است و جای آن را تعلیم و تربیت برای پرورش دانش‌آموزانی که مبدل به شهروندانی مسئول برای کسب و کاری حرفه‌ای و تخصصی گرفته است تا بتوانند به صورتی مسالمت‌آمیز و مدنی و دگرپذیر زندگی سالم که متناسب با توسعه‌ی پایدار باشد داشته باشند.^۱

ما از این ادا بازی به‌عنوان نقد در می‌گذریم. اما بد نیست اشاره کنیم که متأسفانه ما هم‌چنان در عصر سرمایه‌داری زندگی می‌کنیم، شیوه‌ی تولیدی که در سطح نهایی جامعه را به دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار تقسیم می‌کند؛ امپریالیسم محصول مناسبات جهانی‌شده‌ی سرمایه‌داری است و هم‌چنان آمریکا به‌عنوان قدرتی امپریالیستی وجود دارد؛ شهروند هم از نظر حضرات کسی است که مناسبات سرمایه‌داری را با جان و دل به‌عنوان هویت خود پذیرفته باشد، حال می‌خواهد کارگر با ماهی ۸ میلیون حقوق باشد یا صاحب کارخانه‌ای با ده‌ها میلیارد درآمد؛ پرورش هم یعنی تربیت نیروی کار برای بازار سرمایه‌داری و توسعه‌ی پایدار هم جز ادبیات گفتمانی سرمایه‌داری است که توهمی بیش نیست. کدام توسعه‌ی پایدار؟ وقتی هدف اصلی اقتصاد سود باشد، آیا دیگر زندگی آحاد مردم، طبیعت، کوه‌ها و جنگل‌ها، آب‌های زیرزمینی و دریاها و رودخانه‌ها، کیفیت هوای تنفسی و ... آیا اهمیتی واقعی دارد؟

هر چند این نقادان می‌خواهند به یک گسست تاریخی از دوره‌ی صمد تا کنون اشاره کنند اما اتفاقاً همین زیست در جهان سرمایه‌داری است که اسباب زنده بودن صمد و ترس سرمایه‌داری از آثار او می‌شود. هر چند آگاهی‌بخشی برای کودکان جز نتایج کار صمد است اما دلیل اصلی ترس سرمایه‌داری از صمد، هنرمند بودن واقعی وی است.

اگر فیلسوف سعی می‌کند با مقولات به درک از هستی برسد یا دانشمند سعی می‌کند با محاسبات دو دو تا چهار تا از جهان پیرامون خود رمز گشایی کند، هنرمند نیز با احساس قوی خود به کشف و فهم جهان می‌رسد؛ البته

^۱ صمد به‌رنگی از اسطوره تا واقعیت، انصاف نیوز، ۱۶ شهریور ۱۳۹۵.

احساسی که آمیخته به عقل و خرد است. هنرمند این دریافت را با زبان هنری خود بیان می‌کند. این زبان برای صمد ادبیات بود؛ آن هم برای کودکانی که هنوز جهان بی‌رحم سرمایه‌داری نتوانسته بود آن‌ها را شکل بدهد.

به‌طور مثال در داستان "۲۴ ساعت خواب و بیداری" راوی داستان، کودکی است به نام لطیف که بنا به مناسبات سرمایه‌داری مجبور شده است همراه پدر خود برای کار به تهران مهاجرت کند. لطیف آخرین ۲۴ ساعت حضور خود در تهران را بازگو می‌کند. آن چه نصیب وی و دوستانش شده است چیزی جز حسرت، تحقیر، گرسنگی و ... نیست. و اما، برای انسان‌های دیگر از طبقه‌ی دیگر همه‌چیز وجود دارد. در قسمتی از داستان می‌خوانیم:

«ماشین سواری براقی آمد و روبه‌روی ما کنار خیابان ایستاد و جای خالی را پر کرد. آقا و خانمی جوان و یک توله‌سگ سفید و براق از آن پیاده شدند. پسر بچه درست هم‌قد احمدحسین بود و شلوار کوتاه و جوراب سفید و کفش روباز دو رنگ داشت و موهای شانه‌خورده و روغن‌زده داشت. در یک دست عینک سفیدی داشت و با دست دیگر دست پدرش را گرفته بود. زنجیر توله‌سک در دست خانم بود که بازوهای و پاهای لخت و کفش پاشنه‌بلند داشت و از کنار ما که گذشت عطر خوشایندی به بینی‌هایمان خورد. قاسم پوسته‌ای از زیر پایش برداشت و محکم زد پس گردن پسرک. پسرک برگشت نگاهی به ما کرد و گفت: ول‌گردها...»

احمدحسین با خشم گفت: برو گم‌شو، بچه‌ننه ...»

صمد در آثار خودش نه تنها مقولاتی چون اختلاف طبقاتی و پیامدهای آن را برای کودکان بازگو می‌کند بل که خودش نیز به‌عنوان نویسنده موضعی بی‌طرف نداشت و در این نبرد طبقاتی در کنار طبقه‌ی کارگر ایستاده بود. از این‌رو می‌توان از ایشان به‌عنوان هنرمند مبارز یاد کرد. بر ماست که یادش را گرامی بداریم و آثارش را خانه‌به‌خانه به‌دست فرزندان طبقه‌ی کارگر و محرومان برسانیم.

^۲ ۲۴ ساعت خواب و بیداری، تابستان ۱۳۴۷، نشر دنیا، صص ۶ و ۷.